

ارزیابی دید دو چشمی نزدیک در میکروسکوپیست های علائم دار و بدون علائم چشمی

حامد مومنی مقدم^{۱*}، حسین انصاری^۲، وحیده نوزری^۳، لیلا سلیمی بنی^۳

۱- عضو هیئت علمی گروه بینایی سنجی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان ۲- عضو هیئت علمی گروه بهداشت عمومی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

۳- کارشناس بینایی سنجی

سابقه و هدف: اختلالات دید دو چشمی نزدیک در افرادی که کار نزدیک طولانی مدت دارند از شیوع بالایی برخوردار است. جهت افزایش بازده کاری فرد و ایجاد یک دید دوچشمی کارا، بررسی وضعیت دید دوچشمی اهمیت ویژه ای دارد. هدف از این مطالعه ارزیابی وضعیت دید دو چشمی نزدیک در میکروسکوپیستهای علائم دار و بدون علائم چشمی می باشد.

مواد و روشها: در این مطالعه مقطعی ۵۰ نفر از میکروسکوپیست های دانشگاه علوم پزشکی زاهدان شرکت داشتند. افراد بر حسب وجود یا عدم وجود شکایات مربوط به مشکلات دید دو چشمی به دو دسته علائم دار و بدون علائم تقسیم شدند. بعد از تعیین عیوب انکساری به روش رتینوسکوپی، چنانچه فرد معیارهای ورود به مطالعه را داشت، برای انجام سایر تستها به کلینیک بینایی سنجی ارجاع داده می شد. نقطه نزدیک تقارب با استفاده از خط کش میلی متری (سانتی متر) و تقارب فیوژنی مثبت و منفی با پریم بار (پریم دیوپتر)، هتروفریای نزدیک به روش کاور تست متناوب با پریم (پریم دیوپتر) و نسبت تقارب تطابقی به روش گرایانت (پریم دیوپتر به دیوپتر) تعیین شدند. استریوپیسیس با تست دید عمق TNO (ثانیه بر کمان) اندازه گیری شد.

یافته ها: در این مطالعه نقطه ی نزدیک تقارب، میزان هتروفریای، تقارب فیوژنی مثبت و منفی و میزان دید بعد در گروه علائم دار و بدون علائم اختلاف معنی داری داشتند ($p < 0.05$). اما بین علائم و نسبت تقارب تطابقی به تطابق ارتباط معنی داری از لحاظ آماری مشاهده نشد.

نتیجه گیری: در این مطالعه بیشترین اختلاف بین گروه علائم دار و بدون علائم مربوط به تقارب فیوژنی مثبت و کمترین اختلاف مربوط به نسبت تقارب تطابقی به تطابق بود. بنابراین نقطه نزدیک تقارب، تقارب فیوژنی مثبت و منفی و دید بعد و میزان هتروفریای شاخص مناسبی جهت ارزیابی وضعیت دید دو چشمی بوده ولی نسبت تقارب تطابقی به تطابق این ویژگی را ندارد.

واژه های کلیدی: دید دو چشمی، میکروسکوپیست ها، نقطه نزدیک تقارب.

دریافت: ۸۷/۱/۲۹، ارسال جهت اصلاح: ۸۷/۲/۱۸، پذیرش: ۸۷/۴/۱۹

مقدمه

جهت ارزیابی وضعیت دید دوچشمی در نزدیک نیاز به بررسی عواملی از جمله نقطه نزدیک تقارب، هتروفریای نزدیک، نسبت تقارب تطابقی به تطابق و ذخایر منشوری هنگام استفاده از دو چشم می باشد. غیر طبیعی بودن مقادیر هریک از فاکتورهای فوق می تواند سبب ایجاد اختلال در عملکرد دوچشمی فرد و ایجاد علائم و مشکلات شود (۱). مقدار کلی تقارب محورهای بینایی از دور به نزدیک جهت فیکسیشن روی تارگت نزدیک، تقارب مطلق خوانده می شود. تقارب مطلق شامل چهار جزء تقاربی مادوکس بوده و تست

کلینیکی بررسی تقارب مطلق نیز اندازه گیری نقطه نزدیک تقارب است. از آزمایش نقطه نزدیک تقارب جهت ارزیابی سه عملکرد تقارب مطلق از جمله (Flexibility)، (Amplitude) Sufficiency و Facility و Stamina استفاده می گردد. نقطه نزدیک تقارب می تواند به صورت آبجکتیو و سابجکتیو با استفاده از عدسی قرمز تعیین شود (۱). اغلب دانشمندان توصیه می کنند که اندازه گیری نقطه نزدیک تقارب باید پنج بار انجام شود که دورتر شدن این فاصله از چشم در هر بار نشان دهنده تقارب فیوژنی ضعیف در

نزدیک است (۲). مطالعات قبلی نشان داده اند که در تست نقطه نزدیک تقارب چنانچه فاصله نقطه دو بینی بیشتر از ۸ سانتی متر و نقطه بازگشت مجدد دید واحد بیشتر از ۱۱ سانتی متر باشد نتایج تست غیرطبیعی است (۳).

یکی دیگر از پارامترهای مهم در ارزیابی وضعیت دید دوچشمی تعیین نوع و مقدار هتروفورای نزدیک می باشد. هنگامی که چشمها به طور فعال به یک نقطه نگاه کنند چنانچه از رفلکس فیوژن جلوگیری شود چشمها به حالت غیر فعال رفته و یا به عبارت دیگر از هم جدا می شوند. اگر با جدا شدن دو چشم، چشمها هیچ گونه حرکتی انجام ندهند به این حالت اورتوفوریا گویند و در غیر این صورت این حالت را هتروفوریا می نامند. اگر در حالتی که دو چشم از هم جدا هستند چشم زیر کاور یا غیر فیکس کننده به سمت خارج، داخل، بالا و پایین حرکت کند به این حالات به ترتیب اگروفوریا، ایزوفوریا، هایپرفوریا و هایپوفوریا می گویند که برای اندازه گیری مقدار آن باید از روش کاور تست کاملاً متناوب همراه با پریم استفاده شود (۴).

فاکتور دیگر نسبت تقارب تطابقی به تطابق می باشد که به میزان تقاربی که به ازای یک دیوپتر تطابق انجام می شود اطلاق می گردد. در افراد جوان مهمترین جزء تقاربی در نزدیک تقارب ثانوی به تطابق می باشد. مقدار تقارب تحریک شده با یک دیوپتر تطابق از یک شخص به دیگری متفاوت است اما تغییرات ایجاد شده قابل ملاحظه نمی باشد. جهت محاسبه این نسبت دو روش هتروفوریا و گرادینت وجود دارد که روش گرادینت بیشتر به کار می رود که طبق مطالعات قبلی میانگین نسبت AC/A بدست آمده با روش گرادینت ۳-۴ و با روش هتروفوریا ۴-۷ پریم دیوپتر به دیوپتر می باشد (۳).

تعیین تقارب فیوژنی نزدیک یکی دیگر از مهمترین قسمتهای ارزیابی سیستم دوچشمی است که اطلاعاتی در مورد توانایی بیمار جهت جبران انحراف ارائه می کند. ورجنس منشوری عبارت است از منشوری که مقابل یک یا دو چشم گذاشته می شود تا قبل از تجزیه فیوژن، تاری دید یا دو بینی صورت گیرد (۴). تقارب نسبی مثبت و منفی را می توان با منشورهای چرخان یا متغیر یا با پریم بار اندازه گیری کرد برای این کار تقارب نسبی مثبت و منفی از فرد خواسته می شود که به حروف کوچک که برای دیدن آنها نیاز به تطابق دقیق است نگاه کرده و سپس منشور مقابل یک چشم و یا دو چشم

سابژکت گذاشته و قدرت آن را آنقدر افزایش داده تا فرد گزارش دهد که حرف را تاری یا دوتا می بیند بعد از این مرحله باید از قدرت منشور کاسته شده تا مجدداً دید واحد دو چشمی ایجاد شود. قدرت منشور در مراحل تاری، دو بینی و دید واحد به ترتیب مشخص کننده نقطه تاری، نقطه دوبینی و نقطه برگشت مجدد دید واحد دوچشمی می باشد. در صورتی که ورجنسهای منشوری با منشور قاعده به داخل اندازه گیری شود به آن فیوژن ذخیره منفی (تقارب نسبی منفی) و اگر با منشور قاعده به خارج اندازه گیری شود به آن فیوژن ذخیره ای مثبت (تقارب نسبی مثبت) گویند که برای دید دور نزدیک سنجش می شود. توصیه می شود که ورجنس منشوری (قاعده به داخل) قبل از ورجنس منشوری (قاعده به خارج) اندازه گیری گردد. زیرا بکارگیری تقارب زیاد باعث کاهش تباعد شده و در نتیجه اندازه گیری تقارب فیوژنی منفی دقیق نخواهد بود (۱). دید بعد نیز یکی دیگر از فاکتورهای مهم در بررسی دید دوچشمی است به طوری که استریوپسیس به عنوان بارومتر دید دو چشمی ملاحظه می شود. به منظور تعیین آستانه دید عمق می توان از تستهای لوکال مانند تست تیتوس یا گلوبال مانند TNO استفاده کرد.

در مطالعه انجام شده در کاربران کامپیوتر جهت ارزیابی سیستم تقاربی گزارش شد که در افراد علائم دار با اگروفوریا ضعف تقارب و اصلی، ذخیره فیوژنی مثبت و منفی کاهش، فاصله نقطه نزدیک تقارب از چشم دورتر و نسبت $\frac{AC}{A}$ کاهش یافته بود (۵). در مطالعه دیگری دامنه نرمال $\frac{AC}{A}$ از $\frac{4}{1}$ تا $\frac{7}{1}$ گزارش و مقادیر بیش تر از $\frac{7}{1}$ به عنوان $\frac{AC}{A}$ بالا و کم تر از $\frac{4}{1}$ به عنوان $\frac{AC}{A}$ پایین در نظر گرفته شده است (۱). نتایج مطالعه دیگری نشان داد که در افراد با ایزوفوریا و اگروفوریا (ضعف تقارب یا فزونی تباعد) با علائم دید دو چشمی نسبت $\frac{AC}{A}$ به روش گرادینت طبیعی بود (۶). در مطالعه انجام شده توسط شاپرو در افراد دارای علائم دید دو چشمی، کاهش تقارب فیوژنی مثبت و منفی دیده شده است، در حالی که نسبت $\frac{AC}{A}$ نرمال بود (۷).

بررسی استریوپسیس با تست TNO نشان داد که در بیش از ۴۰ درصد افراد طبیعی آستانه دید عمق ۴۰ ثانیه بر کمان یا کم تر و در افراد با اختلال دید دوچشمی این مقدار بیشتر از ۴۰ ثانیه بر کمان بود (۸). برخی مطالعات وجود مشکلات دید دوچشمی را علی رغم طبیعی بودن مقادیر تقارب فیوژنی مثبت و منفی گزارش کرده اند (۹). مطالعات نشان داده اند که در افراد با اگروفوریا

کرده و فاصله این نقطه تا کاتوس خارجی برحسب سانتیمتر بعنوان نقطه نزدیک تقارب فرد ثبت می‌شد.

هتروفورای نزدیک به روش کاورتست متناوب به همراه پریم بار در فاصله ۴۰ سانتی متری تعیین شد و تارگت انتخابی یک ردیف عمودی با اندازه معادل ۲۰/۳۰ از چارت اسنلن کوچک شده بود. در حالیکه کارکشن فرد روی صورت او قرار داده شده، کاورتست متناوب انجام می‌گرفت. اگر هتروفوریا وجود داشته باشد ابتدا نوع آن را با کاورتست تعیین می‌کنیم بدین صورت که اگر هنگام برداشتن کاور از روی یک چشم و انتقال آن به چشم دیگر حرکت چشم به سمت داخل، خارج، بالا یا پایین باشد انحراف بیمار به ترتیب اگروفوریا، ایزوفوریا، هایپوفوریا و هایپرفوریا می‌باشد. اگر چنانچه حرکتی مشاهده نشود فرد اورتوفوریا است. برای تعیین میزان انحراف، رأس پریم را در جهت انحراف چشم فرد قرار داده و سپس دوباره کاور تست متناوب را انجام می‌دهیم، مقدار پریم را آنقدر افزایش می‌دهیم تا در چشم فرد هیچ حرکتی مشاهده نشود، برای اطمینان از میزان تعیین شده، قدرت پریم را افزایش داده تا حرکت مخالف در چشم در حین انجام کاورتست متناوب مشاهده شود، سپس دوباره قدرت پریم را کاهش داده تا هیچ حرکتی در چشم مشاهده نشود، در این حالت میزان پریم به دست آمده هتروفورای فرد را بر حسب پریم دیوپتر نشان می‌دهد.

برای تعیین ذخایر فیوژنی از پریم بار استفاده شد، به این ترتیب که فرد به یک تارگت نزدیک با توجه به دید چشم ضعیفتر نگاه می‌کند (یک ردیف عمودی ۲۰/۳۰ چارت اسنلن کوچک شده در فاصله ۴۰ سانتی‌متر) در حالی که بهترین کارکشن جلوی چشم فرد باشد. ابتدا پریم را به صورت قاعده به داخل مقابل چشم قرار داده و تقارب فیوژنی منفی را اندازه گیری می‌کنیم بدین ترتیب که با افزایش قدرت پریم، فرد ابتدای شی را صورت واضح و یکی می‌بیند. از فرد خواسته می‌شود وقتی تارگت را واضح ببیند و هر گونه تاری را گزارش کند. تاری که بیشتر از ۲ ثانیه طول بکشد، ثبت می‌شود. سپس قدرت پریم را افزایش داده و از فرد خواسته می‌شود که سعی کند تارگت را واحد نگاه دارد و وقتی تارگت دو تا به نظر رسید را گزارش کند اولین نقطه‌ای که دوبینی ثابت (بیشتر از ۵ ثانیه) رخ داد به عنوان نقطه دوبینی ثبت می‌شود. بعد از گزارش دوبینی ثابت، قدرت پریم را به آرامی و مرحله به مرحله کاهش می‌دهیم تا جاییکه فرد دوباره یکی شدن اما نه لزوماً وضوح تارگت

ضعف تقارب و علایم دید دو چشمی، نقطه نزدیک تقارب در فاصله دورتری از چشم نسبت به حالت طبیعی قرار دارد (۱۰). لذا هدف از این مطالعه ارزیابی دید دو چشمی نزدیک در میکروسکوپیست های علائم دار و بدون علائم چشمی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان می‌باشد.

مواد و روشها

در این مطالعه مقطعی تمام افراد شاغل در آزمایشگاههای وابسته به دانشگاه علوم پزشکی زاهدان شامل ۵۰ نفر که با میکروسکوپ کار می‌کردند، شرکت داشتند. در صورتی که افراد معیارهای ورود به مطالعه را داشتند جهت انجام سایر تستها به کلینیک بینایی سنجی ارجاع داده می‌شدند. معیارهای ورود به مطالعه شامل افرادی که دارای انحراف آشکاری در فاصله ۶ متر و ۴۰ سانتی متری نبوده، سابقه بیماری چشمی یا ضربه به چشم نداشته و دید فرد با اصلاح یا بدون اصلاح در فاصله دور و نزدیک حداقل ۲۰/۲۰ باشد (۱۱). ابتدا عیوب انکساری افراد به روش رتینوسکوپی (در صورت نیاز با استفاده از داروی سیکلوپنتولات ۱ درصد) تعیین و در صورت نیاز اصلاح شد. چنانچه به فرد کارکشن جدیدی تجویز یا کارکشن قبلی او تغییر داشت، فرد باید حداقل به مدت ۴ هفته از کارکشن جدید خود استفاده می‌کرد تا به آن عادت نماید و سپس برای انجام آزمایشات بعدی مجدداً به کلینیک بینایی سنجی مراجعه می‌کرد. افراد بر حسب وجود یا عدم وجود مشکلات مربوط به دید دوچشمی بر اساس اظهاراتشان به دو دسته علایم دار و بدون علایم چشمی تقسیم شدند.

از آنجا که یکی از عوامل مهم در انجام این مطالعه احتمال وجود ساپرنش می‌باشد، جهت رد و وجود این احتمال از صفحه‌ی ساپرنش تست دید بعد TNO استفاده شد. برای تعیین نقطه نزدیک تقارب از یک تارگت تطابقی استفاده شد، که تارگت مورد نظر یک ردیف عمودی با اندازه معادل ۲۰/۳۰ از چارت اسنلن کوچک شده بود. در حالیکه کارکشن فرد روی صورت او قرار دارد تارگت مورد نظر از فاصله‌ی ۵۰ سانتیمتر و در امتداد خط وسط با سرعت ۵-۳ سانتی‌متر در ثانیه بسمت پل بینی فرد نزدیک شده و از او خواسته می‌شد اولین جایی که تارگت دو تا دیده می‌شود را گزارش کند (روش سابجکتیو) یا زمانی که خودمان حرکت یکی از چشمها بسمت خارج را مشاهده کردیم (روش ابجکتیو) این نقطه را مشخص

میانگین هتروفورای نزدیک در افراد تحت مطالعه $4/1 \pm 2/9$ پریم دیوپتر اگروفوریا و در افراد علائم دار و بدون علائم به ترتیب $6/1 \pm 2/6$ پریم دیوپتر و $2/7 \pm 2/2$ پریم دیوپتر اگروفوریا بود، که متوسط هتروفوریا در افراد علائم دار و بدون علائم اختلاف معنی داری از لحاظ آماری نشان داد ($p < 0/001$) (جدول شماره ۱).

میانگین تقارب فیوژنی مثبت در افراد تحت مطالعه $5/9 \pm 1/1$ پریم دیوپتر و به تفکیک در افراد علائم دار و بدون علائم به ترتیب $6/1 \pm 5/16$ پریم دیوپتر و $3/4 \pm 2/22$ پریم دیوپتر بود که میانگین تقارب فیوژنی مثبت در افراد علائم دار و بدون علائم اختلاف معنی داری از لحاظ آماری داشتند ($p = 0/001$) (جدول شماره ۱).

میانگین تقارب فیوژنی منفی در افراد تحت مطالعه $4/4 \pm 3/14$ پریم دیوپتر و در افراد علائم دار و بدون علائم به ترتیب $3/3 \pm 13/14$ پریم دیوپتر و $9/16 \pm 10/16$ پریم دیوپتر بود، که متوسط تقارب فیوژنی منفی نیز در دو گروه اختلاف معنی داری از لحاظ آماری داشتند ($p = 0/002$) (جدول شماره ۱). میانگین نسبت تقارب تطابقی به تطابق در افراد تحت مطالعه $1/0 \pm 2/9$ بود که در افراد علائم دار و بدون علائم به ترتیب $1/9 \pm 2/6$ و $1/1 \pm 3/3$ پریم دیوپتر به دیوپتر بود که متوسط نسبت تقارب تطابقی به تطابق در دو گروه اختلاف معنی داری از لحاظ آماری نداشتند (جدول شماره ۱).

میانگین استریوپسیس با تست دید عمق TNO در افراد تحت مطالعه $1/129 \pm 4/125$ ثانیه بر کمان و به تفکیک در افراد علائم دار و بدون علائم $180 \pm 9/165$ ثانیه بر کمان و $9/85 \pm 5/75$ ثانیه بر کمان بود که متوسط استریوپسیس با تست دید عمق TNO در افراد علائم دار و بدون علائم اختلاف معنی دار از لحاظ آماری نشان داد ($p = 0/031$) (جدول شماره ۱).

جدول ۱ نشان می دهد که بیشترین اختلاف بین گروه علائم دار و بدون علائم مربوط به تقارب فیوژنی مثبت و کمترین اختلاف مربوط به نسبت تقارب تطابقی به تطابق است. در این مطالعه نقطه ی نزدیک تقارب، میزان هتروفوریا، تقارب فیوژنی مثبت و منفی و میزان دید بعد در گروه علائم دار و بدون علائم اختلاف معنی داری دارند، اما بین علائم و نسبت تقارب تطابقی به تطابق ارتباط معنی داری از لحاظ آماری مشاهده نشده است.

را گزارش کند که این نقطه ی بازگشت مجدد دید واحد دو چشمی نامیده می شود. برای تعیین ذخایر فیوژنی مثبت با منشور قاعده به خارج مراحل بالا را انجام و مقادیر بدست آمده را ثبت می کنیم. برای تعیین نسبت تقارب تطابقی به تطابق از روش گرا دیانت استفاده شد که در این روش ابتدا کارکشن فرد در صورت وجود، روی چشم او قرار گرفته و از ردیف $20/30$ چارت اسنلن کوچک شده در فاصله 40 سانتی متر به عنوان تارگت استفاده شد، میزان هتروفوریا فرد با استفاده از پریم بار بدون لنز و سپس با لنز 1.00 اندازه گیری شد و نسبت $\frac{AC}{A}$ از فرمول زیر بر حسب پریم دیوپتر به دیوپتر تعیین شد.

$$\frac{AC}{A} = \text{هترو فوریا بدون عدسی} - \text{هترو فوریا با عدسی}$$

قدرت عدسی استفاده شده

استریوپسیس با تست دید عمق TNO ارزیابی شد، بدین صورت که ابتدا کارکشن فرد روی چشم او قرار گرفته و سپس فرد عینک قرمز - سبز را روی چشم قرار داده و به تست TNO در فاصله ی 40 سانتی متری نگاه می کند. حداقل میزان دیسپارتی تشخیص داده شده توسط فرد از روی دفترچه راهنمای تست بر حسب ثانیه بر کمان اندازه گیری می شود. لازم به ذکر است که در تمام مراحل انجام تستهای بالا نور اتاق باید استاندارد باشد. پس از جمع آوری، داده ها در نرم افزار SPSS و با استفاده از آزمون t مستقل تجزیه و تحلیل شد. سطح معنی داری نیز $0/05$ در نظر گرفته شد.

یافته ها

از تعداد 50 نفر شرکت کننده در این طرح 27 نفر (54%) آنها زن و 23 نفر (46%) مرد بودند که از این تعداد، 19 نفر (38%) علائم دار و 31 نفر (62%) بدون علائم بودند در افراد علائم دار 11 نفر ($57/9\%$) آنها زن و 8 نفر ($42/1\%$) آنها مرد بودند. میانگین سن افراد در این بررسی $36/0 \pm 8/8$ سال و در خانمها و آقایان به ترتیب $34/7 \pm 6/9$ و $37/7 \pm 10/6$ سال بود ($p < 0/05$).

متوسط نقطه نزدیک تقارب در افراد تحت مطالعه $8/4 \pm 3/9$ سانتی متر و گروه علائم دار و بدون علائم به ترتیب $8/4 \pm 3/10$ سانتیمتر و $5/2 \pm 7/0$ سانتی متر بود، که متوسط نقطه نزدیک تقارب در افراد علائم دار و بدون علائم اختلاف معنی داری از لحاظ آماری نشان داد ($p = 0/004$) (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرها در افراد تحت

مطالعه و به تفکیک وجود علائم

شاخصهای آماری	(Mean± SD)	نقطه برش	متغیر
نقطه نزدیک تقارب (سانتی متر)	۸/۴۰±۳/۹	۹/۵	کل افراد
	۱۰/۲۳±۴/۸		علائم دار
	۷/۰۶±۲/۵		بدون علائم
هتروفورای نزدیک (پریزم دیوپتر)	۴/۱۲±۲/۹	۵	کل
	۶/۰۹±۲/۶		علائم دار
	۲/۶۸±۲/۲		بدون علائم
تقارب فیوژنی مثبت (پریزم دیوپتر)	۲۰/۰۸±۵/۹۲	۱۸/۵	کل
	۱۶/۱۴±۵/۶		علائم دار
	۲۲/۹۳±۴/۳		بدون علائم
تقارب فیوژنی منفی (پریزم دیوپتر)	۱۴/۸۶±۳/۴	۱۵/۵	کل
	۱۳/۱۴±۳/۳		علائم دار
	۱۶/۱۰±۲/۹		بدون علائم
نسبت تقارب تطابق به تطابق	۲/۸۸±۰/۹۶	۳/۵	کل
	۲/۵۷±۰/۸۷		علائم دار
	۳/۱۰±۰/۹۷		بدون علائم
استریوپیسیس (ثانیه بر کمان)	۱۲۵/۴۰±۱۲۹/۰۹	۷۰	کل
	۱۶۵/۹۵±۱۸۰		علائم دار
	۷۵/۰۹±۸۵/۸		بدون علائم

بحث و نتیجه گیری

این مطالعه نشان داد که ۴۲ درصد از میکروسکوپیست ها علائم دار و ۵۸ درصد از آنها بدون علائم بودند و متوسط نقطه نزدیک تقارب در افراد تحت مطالعه در گروه علائم دار و بدون علائم اختلاف معنی داری از لحاظ آماری نشان دادند که در مطالعه‌ای که توسط Rouse و همکاران انجام شد به این نتیجه رسیدند که در افراد دارای ضعف تقارب با مشکلات دید دو چشمی نقطه نزدیک تقارب از چشم دورتر می‌باشد که با نتایج مطالعه ما مطابقت دارد (۱۰). بررسی های دیگر نیز گزارش داده اند که چنانچه فاصله نقطه نزدیک تقارب از چشم ها دورتر از ۱۰ سانتی متر باشد، بیمار هنگام انجام کار نزدیک دچار علامت و ناراحتی خواهد شد که نتایج بدست آمده موید نتایج مطالعه حاضر است (۱۲و۱).

دیگری نیز نقطه برش نقطه نزدیک تقارب را ۹/۵ سانتی متر گزارش کردند که با نتیجه مطالعه حاضر همخوانی دارد (۱۳). برخی مطالعات نیز مقدار نقطه نزدیک تقارب بدست آمده در کل جمعیت را متفاوت از مطالعه حاضر گزارش نمودند که علت این تفاوتها را احتمالا می توان به اختلاف سنی افراد شرکت کننده در مطالعات نسبت داد (۱۶-۱۴). متوسط هتروفورای در افراد تحت مطالعه به تفکیک در گروه علائم دار و بدون علائم اختلاف معنی داری نشان داد که نتایج بدست آمده در مطالعات انجام شده توسط Collins و همکاران روی کاربران کامپیوتر Wick یافته های بررسی حاضر را تأیید می کند (۵و۶). مقدار هتروفورای نرمال دید نزدیک بر اساس مقادیرمورد انتظار مورگان نیز ۶ پریزم دیوپتر می باشد که جدول ۱ مطابقت این مقادیر را با مقادیر مورگان نشان می دهد (۱). بعضی محققین مقدار هتروفورای نرمال برای دید نزدیک را ۵ پریزم دیوپتر اگروفوریا بیان کرده اند که باز هم موید مطالعه حاضر است (۴) گروهی دیگر مقدار هتروفورای مورد انتظار در دید نزدیک را ۳ پریزم دیوپتر اگروفوریا ذکر می کنند که با توجه به مقدار هتروفورای نزدیک در افراد بدون علائم ۲/۶۸ دیوپتر بوده که با مقادیر گزارش شده فوق مطابقت دارد (۱۷).

متوسط تقارب فیوژنی مثبت منفی در افراد تحت مطالعه به تفکیک در گروه علائم دار و بدون علائم اختلاف معنی داری از لحاظ آماری نشان داد که در مطالعه‌ای که توسط Collins و همکارانش در کاربران کامپیوتر انجام شد، نشان دادند افرادی که دارای مشکلات دید دو چشمی هستند، تقارب فیوژنی مثبت و منفی کاهش شدیدی داشته که با نتایج ما مطابقت دارد (۵). در بررسی حاضر میانگین تقارب فیوژنی مثبت در افراد علائم دار ۱۶/۱۴ و در افراد بدون علائم ۲۲/۹۳ می باشد که مقادیر بدست آمده با بررسیهای قبلی مطابقت دارد (۱۷) بررسیها نشان دادند که در حالت نرمال حد اقل مقدار تقارب فیوژنی مثبت در نزدیک باید ۱۹ پریزم دیوپتر باشد که در افراد بدون علائم در مطالعه حاضر این مقدار کمتر از ۱۹ پریزم دیوپتر است. همچنین درمطالعه فوق ذکر شده است که حداقل تقارب فیوژنی منفی در نزدیک باید ۱۴ پریزم دیوپتر باشد که در افراد بدون علائم این مقدار ۱۶/۱ و در افراد علائم دار ۱۳/۱۴ می باشد، بنابراین نتایج مطالعات قبلی با یافته های مطالعه حاضر مطابقت دارد. در بررسی دیگری حداقل مقدار تقارب فیوژنی مثبت و منفی در نزدیک به ترتیب ۲۱و۲۱

پریزم دیوپتر گزارش شده است که این مقادیر در بررسی حاضر به ترتیب ۲۲/۹۳ و ۱۶/۱۴ بدست آمد که مقدار تقارب فیوژنی مثبت با نتایج قبلی مطابقت داشته ولی با مقدار تقارب فیوژنی منفی مغایرت دارد (۴). در بررسی Scheiman و همکاران نیز نتیجه فوق تأیید شد (۷). در مطالعه‌ای که توسط Patrick و همکارانش انجام شد افراد با وجود مشکلات دید دو چشمی دارای مقادیر طبیعی تقارب فیوژنی مثبت و منفی بودند که با نتایج بررسی ما مغایرت دارد (۹). متوسط استروپوپسیس با تست دید عمق در افراد تحت مطالعه به تفکیک در گروه علائم دار و بدون علائم اختلاف معنی داری لحاظ آماری نشان داد که در مطالعه Lam و همکاران پاسخ افراد نرمال به تست دید عمق ۴۰ ثانیه بر کمان یا کمتر بوده و افراد غیر نرمال پاسخ بیشتر از ۴۰ ثانیه بر کمان داشتند که نشان دهنده وجود اختلاف در میانگین استروپوپسیس در افراد علایم دار و بدون علایم می باشد که از این نظر با مطالعه حاضر مطابقت دارد، هرچند که مقادیر گزارش شده متفاوت است (۸). این اختلاف را می توان به نوع تست دید عمق بکار رفته نسبت داد که در مطالعه Lam و همکاران از تست تیتاموس و در مطالعه حاضر از تست دید عمق TNO استفاده شده است که اولی از نوع تست های لوکال و دومی جزء تستهای گلوبال می باشد. در بررسی دیگری گزارش شده است که حداقل

استروپوپسیس در افراد با دید دو چشمی طبیعی با تست های لوکال و گلوبال باید به ترتیب ۵۱ تا ۱۰۰ و ۳۱ تا ۶۰ ثانیه بر کمان باشد که با نتایج مطالعه حاضر مطابقت دارد (۱). متوسط $\frac{AC}{A}$ در گروه علائم دار و بدون علائم اختلاف معنی داری نشان نداد که در یک مطالعه انجام شده نسبت $\frac{AC}{A}$ عدد ۴ گزارش شده که مقدار آن با مطالعه حاضر مغایرت دارد زیرا در مطالعه ما میانگین نسبت $\frac{AC}{A}$ در افراد علائم دار ۲/۵۷ و در افراد بدون علائم ۳/۱۰ که با مقدار ذکر شده فوق مغایرت دارد (۱۷ و ۱۴) شاید علت معنی دار نشدن اختلاف نسبت $\frac{AC}{A}$ در دو گروه را بتوان اینگونه بیان نمود که نسبت $\frac{AC}{A}$ را نباید به تنهایی بلکه باید با توجه به ذخیره فیوژنی مثبت و منفی و مقدار انحراف فرد در فاصله فیکساسیونی مورد نظر بررسی کرد. در مطالعه‌ای دیگر که توسط Wick انجام شد، افراد با مقادیر نرمال $\frac{AC}{A}$ دارای مشکلات دید دو چشمی بودند که با نتایج ما مطابقت دارد (۶). به طور کلی این مطالعه نشان داد که بیشترین اختلاف بین گروه علائم دار و بدون علائم مربوط به تقارب فیوژنی مثبت و کمترین اختلاف مربوط به نسبت تقارب تطابقی به تطابق است. لذا نقطه نزدیک تقارب، تقارب فیوژنی مثبت و منفی و دید بعد و میزان هتروفوریا شاخص مناسبی جهت ارزیابی وضعیت دید دو چشمی بوده ولی نسبت تقارب تطابقی به تطابق این ویژگی را ندارد.

References

1. Griffin J, Grisham D. Binocular anomalies diagnosis and vision therapy, 4th ed, Boston, Butterworth-Heinemann 2002; pp: 49-50, 52-54, 63-71, 92.
2. Evans B, Sandip D. Binocular vision & orthoptics, 1st ed, Butterworth-Heinemann 2001; pp: 5-6, 13-15, 28-30.
3. Von Noorden G, Compas K. Binocular vision and ocular motility theory and management of strabismus, 6th ed, St. Louis, CV Mosby 2002; pp: 71-2, 85, 96, 202, 312-20.
4. Evans B. Pickwell's binocular vision anomalies: investigation and treatment, 4th ed, Oxford, Butterworths-Heinemann 2002; pp: 24-91, 386.
5. Collins MJ, Brown B, Bowman KJ, Caird D. Task variables and visual discomfort associated with the use of VDT's. Optom Vis Sci 1991; 68(1): 27-33.
6. Wick B. Horizontal deviations. In: Amos JF, ed. Diagnosis and management in vision care, 1st ed, Boston, Butterworths 1987; pp: 473.
7. Scheiman M, Wick B. Clinical management of binocular vision: hetrophoric, accommodative and eye movement disorder, 2nd ed, USA, Philadelphia, Lippincott, Williams & Wilkins 2002; pp: 229-34.

8. Lam SR, LaRoche GR, Becker ID, et al. The range and visual ability of ophthalmological parameters in normal children aged 412 to 512 years. *J Pediatr Ophthalmol Strab* 1996; 33(5): 251-6.
9. Ting PW, Schmid KL, Lam CS, Edwards MH. Objective real-time measurement of instrument myopia in microscopists under different viewing conditions. *Vision Res* 2006; 46(15): 2354-62.
10. Rouse MW, Hyman L, Hussein M, Solan H. Frequency of convergence insufficiency in optometry clinic settings. *Optom Vis Sci* 1998; 75(2): 88-96.
11. Rouse MW, Borsting E, Deland P. The Convergence Insufficiency and Reading Study (CIRS) Group. Reliability of binocular vision measurements used in the classification of convergence insufficiency. *Optom Vis Sci* 2002; 79(4): 254-64.
12. Jimenez R, Perez M. Statistical normal values of visual parameters that characterize binocular function in Children. *Ophthalmic Physiol Opt* 2004; 24(6): 528-42.
13. Moemeni H, Yekta AA, Ansari H. [The study of relationship between binocular vision and near point of convergence while near vision]. *Tabib-e-Shargh J Zahedan Univ Med Sci* 2007; 1(9): 1-10. [Article in Persian]
14. Borsting EJ, Rouse MW, Mitchel CL, et al. Validity and reliability of the revised convergence insufficiency symptom survey in children aged 9 to 18 years. *Optom Vis Sci* 2003; 80(12): 832-7.
15. Hayes GJ, Cohen BE, Rouse MW, De Land PN. Normative values for the near point of convergence of elementary school children. *Optom Vis Sci* 1998; 75(7): 506-12.
16. Chen AH, O'Leary DJ, Howell ER. Near visual function in young children. Part I: Near point of convergence. Part II: amplitude of accommodation. Part III: Near heterophoria. *Ophthalmic Physiol Opt* 2000; 20(3): 185-98.
17. Scheiman M, Gallaway M, Frantz KA, et al. Near point of convergence: test procedure, target selection, and normative data. *Optom Vis Sci* 2003; 80(3): 214-25.

EVALUATION OF NEAR BINOCULAR VISION IN SYMPTOMATIC AND ASSYMPTOMATIC MICROSCOPISTS

H. Momeni Moghaddam (MSc)^{1*}, H. Ansari (MSc)², V. Nozari (BSc)³, L. Salimi Bani (BSc)³

1.* Academic Member of Optometry Department, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran, Hmomeni_opt@yahoo.com, 2. Academic Member of Health Department, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran, 3. BSc in Optometry, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran

BACKGROUND AND OBJECTIVE: According to high prevalence of near binocular vision anomalies in people who have long term near work and necessity to treatment of these anomalies for increasing of efficiency, the purpose of this study was to evaluate near binocular vision in symptomatic and asymptomatic microscopists.

METHODS: In this cross-sectional study, 50 subjects of microscopists of Zahedan Medical University participated. These subjects divided into symptomatic and asymptomatic groups according to presence or absence of binocular vision problems. After determination of refractive errors with retinoscopy, if subject had inclusion criteria, referred to optometry department. Near point of convergence, positive and negative fusional vergence, near heterophoria and accommodation convergence/accommodation (AC/A) ratio were determined by use of millimeter ruler, prism bar, alternate prism cover test and gradient method, respectively. Stereopsis was measured by using TNO. The data was analyzed using independent sample t test.

FINDINGS: In this study near point of convergence, near heterophoria, positive and negative fusional vergence and stereopsis had significant difference between symptomatic and asymptomatic groups ($p < 0.05$) but there was not statistically significant difference between symptoms and AC/A ratio.

CONCLUSION: In this study maximum difference between symptomatic and asymptomatic groups was related to positive fusional convergence and minimum difference was related to AC/A ratio. Hence, near point of convergence, positive and negative fusional vergence, near heterophoria and stereopsis are good indicators for binocular vision evaluation but AC/A ratio is not.

KEY WORDS: Binocular vision, Microscopists, Near point of convergence.

Journal of Babol University of Medical Sciences 2008-2009; 10(5): 54-61.

Received: April 17th 2008, Revised: May 7th 2008, Accepted: July 9th 2008.